



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون
 تاریخ: ۲۳ دی ۱۴۰۲
 موضوع جزئی: مقدمه سوم: تأسیس اصل در عمل به امارات ظنیه - تمسک به استصحاب مصادف با: ۱ رجب ۱۴۴۵
 عدم حجیت برای اثبات اصل اولی - پاسخ محقق نایینی به اشکال دوم محقق خراسانی - اشکال محقق خوبی به محقق نایینی
 سال پانزدهم
 جلسه: ۶۳

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مطلبی بود که شیخ انصاری پیرامون استصحاب عدم حجیت فرموده بودند. ایشان نسبت به جریان این استصحاب اشکالی کردند، محقق خراسانی در دفاع از استصحاب عدم حجیت دو اشکال به شیخ انصاری کردند. محقق نایینی به هر دو اشکال محقق خراسانی پاسخ دادند. پاسخ ایشان به اشکال اول محقق خراسانی را بیان کردیم. محقق نایینی در پاسخ به اشکال اول فرمودند که ما اگر بخواهیم استصحاب عدم حجیت را در اینجا جاری کنیم، تحصیل حاصل است آن هم از بدترین نوعی آن، زیرا استصحاب همان اثری را دارد که قاعده «الشک فی الحجیه مساوق لعدم الحجیه» دارد و امر اضافه‌ای ثابت نمی‌شود. لذا استصحاب عدم حجیت اگر بخواهد جریان پیدا کند، تحصیل حاصل خواهد بود.

پاسخ محقق نایینی به اشکال دوم محقق خراسانی

اشکال دوم محقق خراسانی به شیخ انصاری این بود که سلمنا حجیت از احکام نباشد بلکه از موضوعات باشد؛ چه مانعی دارد که اثر مترتب بر استصحاب عدم حجیت همان اثری باشد که بر شک مترتب می‌شود. به عبارت دیگر حرمت عمل و عدم جواز پیروی از امارات غیر علمیه، هم اثر برای شک باشد و هم اثر برای عدم حجیت واقعی. در این صورت دیگر جایی برای جریان استصحاب نیست، زیرا استصحاب حاکم بر قاعده الشک فی الحجیه مساوق لعدم الحجیه است. بنیان اشکال دوم محقق خراسانی به شیخ انصاری بر این استوار بود که، چه مانعی دارد که اثر مترتب بر استصحاب بر شک هم مترتب باشد و لذا دیگر جایی برای استصحاب نیست. محقق نایینی به این مطلب دو پاسخ دادند:

پاسخ اول

رتبه واقع و شک یکسان نیست. وقتی ما سخن از واقع به میان می‌آوریم یعنی یک عینیتی در عالم واقع، واقع هر چیزی یعنی تحقق آن در عالم واقعیت؛ شک در واقع متفرع بر این است که واقع باشد تا ما در آن شک کنیم. پس قطعاً رتبه شک در واقع از خود واقع متأخر است. آنگاه جای این پرسش وجود دارد که چگونه می‌تواند یک چیزی اثر واقع شود برای دو چیز که رتبه آنها یکسان نیست. حرمة العمل بالظن اثر برای واقع و برای شک در واقع باشد.

محقق خراسانی گفتند چه اشکالی دارد ما حرمت العمل را هم اثر برای عدم حجیت واقعیه قرار دهیم و هم برای شک. محقق نایینی می‌گویند این امکان ندارد که یک چیزی هم اثر برای واقع باشد و هم اثر برای چیزی که متأخر از واقع است یعنی شک در واقع، زیرا اثر برای شیء متأخر، نمی‌تواند اثر برای شیء متقدم باشد، زیرا متأخر بماهو متأخر هم وجودش و هم آثارش از

متقدم، متأخر است. واقع عبارت از یک چیزی به نام عدم حجیت است، این هم خودش و هم آثارش جلوتر از شک در واقع هستند و چیزی که اثر برای شیء متقدم باشد هیچگاه نمی‌تواند اثر برای شیء متأخر باشد و بالعکس چیزی که اثر برای شیء متأخر است نمی‌تواند اثر برای متقدم باشد.

پاسخ دوم

از پاسخ اول هم که صرف نظر کنیم و تقدم و تأخر شک در واقع و خود واقع را کنار بگذاریم، محقق خراسانی فرموده: به محض اینکه شک در حجیت حاصل شد، اثر مترتب می‌شود و دیگر مجالی برای استصحاب نیست. زیرا طبق فرض موضوع اثر عبارت از شک است. ایشان می‌خواست بگوید استصحاب بر قاعده مضروبه عند الشک حکومت دارد؛ استصحاب می‌آید جاری می‌شود و دیگر نمی‌گذارد قاعده «الشک فی الحجیة مساوق لعدم الحجیة» جریان پیدا کند.

لکن محقق نایینی می‌فرماید: حکومت استصحاب بر آن قاعده در صورتی می‌تواند پذیرفته شود که اثر اثبات شده به وسیله استصحاب غیر از اثر اثبات شده به وسیله قاعده باشد. اما اگر اثری که بر استصحاب مترتب می‌شود عیناً همان اثری باشد که بر آن قاعده مترتب می‌شود اینجا دیگر جایی برای حکومت و تقدم استصحاب بر قاعده نیست و ما دیدیم که این اثر عیناً همان است و هیچ فرقی ندارد. اصلاً به همین دلیل نیز گفتند که این تحصیل حاصل است.

در ادامه ایشان یک مثالی می‌زنند به عنوان توضیح و می‌گویند: اگر در مورد چیزی شک کنیم که آیا حلال است یا حرام؟ آیا طاهر است یا نجس؟ اینجا هم اصالة الحلیه جاری می‌شود و هم اصالة الحلیه؛ اصالة الحلیه اثبات حلیت آن حیوان یا شیء را می‌کند و اصالة الطهاره نیز اثبات می‌کند پاکی و طهارت آن را. می‌گویند یک غنمی را در نظر بگیرید که مسخ شده و تبدیل به حیوان دیگری مثل خرگوش شده است. الان که این تبدیل به خرگوش شده است ما شک می‌کنیم که آیا با پوست این حیوان، موی این حیوان یا پشم این حیوان، می‌توان نماز خواند؛ نماز در پوست و موی این حیوان صحیح است یا خیر؟ اینجا می‌گویند قاعده طهارت اقتضاء می‌کند که این پاک باشد، ما الان در طهارت این شک داریم، اصالة الطهاره می‌گوید این پاک است. اصالة الحلیه نیز حکم به حلیت این می‌کند. اما نتیجه و اثر این دو اصل چیست؟ جواز استعمال آن برای نماز و جواز اکل. ولی آیا می‌توانیم با اصالة الطهاره یا اصالة الحلیه، حلیت واقعی آن را ثابت کنیم؟ بگوییم ما که شک داریم در این حیوان با اصالة الحلیه، حلیت واقعی آن را ثابت کنیم یا با اصالة الطهاره، طهارت واقعی آن را ثابت کنیم؟ خیر، با این دو اصل ثابت نمی‌شود.

اما استصحاب، حلیت این حیوان را ثابت می‌کند، اصالة الحلیه فقط جواز اکل را ثابت می‌کند نه حلیت را ولی استصحاب حلیت را ثابت می‌کند، می‌گوید این حالت سابقه‌اش غنم بود، گوشتش حلال بود، خوردنش حلال بود، الان با این اتفاقی که افتاده می‌توان گوشت آن را خورد یا خیر؟ استصحاب حلیت اقتضاء می‌کند این حلال باشد و کذلک در مورد نماز؛ آیا با پوست و موی آن می‌توان نماز خواند؟ استصحاب طهارت حکم می‌کند به طهارت این مو و جواز نماز خواندن در این مو.

پس با استصحاب می‌توان حلیت و طهارت را ثابت کرد ولی با اصالة الطهاره و اصالة الحلیه تنها جواز اکل و استعمال ثابت می‌شود. اینجا معلوم است که اثر استصحاب با اثر اصل حلیت و طهارت فرق دارد. محقق نایینی می‌خواهد بگوید هر جا که اثر استصحاب متفاوت باشد با اثر یک قاعده و اصل دیگر اینجا استصحاب بدون تردید مقدم است ولی اگر نتیجه استصحاب هیچ فرقی با قواعد و اصول دیگر نداشته باشد اینجا جای جریان استصحاب نیست.

سوال:

استاد: فرض می‌کنیم. این فرضی است. این فرق می‌کند با جایی که اولاً و بالذات خرگوش باشد. این جا چون آن سابقه را داشته می‌گوید مسخ شده و تبدیل به این حیوان شده است، بلکه شما ممکن است بگویید که ما اصلاً شک نداریم، این تابع صدق عرفی خرگوش است و این بحثی ندارد، اگر از آن زاویه نگاه کنیم درست است ولی فرض این است که این قبلاً مسخ شده است، یعنی قبلاً گوسفند بوده و حلال و طاهر و الان اینطور شده است، لذا ما شک می‌کنیم. البته الان این روزها با این روش‌ها و تکنولوژی‌هایی که بشر کشف کرده است این کارها ممکن شده است.

بنابراین محقق نایینی به هر دو اشکال محقق خراسانی به شیخ انصاری پاسخ می‌دهد.

اشکال محقق خوبی به محقق نایینی

اینجا دوباره محقق خوبی به محقق نایینی اشکال کردند. مواضع را دقت کنید.

شیخ انصاری استصحاب عدم حجیت را قبول نکردند. محقق خراسانی استصحاب عدم حجیت را پذیرفت و فرمود آن موانعی که شیخ انصاری به آن اشاره می‌کنند هیچ کدام صلاحیت مانعیت ندارد. محقق نایینی هم در دفاع از شیخ انصاری به هر دو اشکال محقق خراسانی پاسخ داده و فرمودند، استصحاب عدم حجیت نمی‌تواند جریان پیدا کند

اشکال اول

محقق خوبی در اشکال به استادشان محقق نایینی می‌فرماید که ما با استصحاب یک مطلبی را ثابت می‌کنیم تعبداً و آن هم عدم الحجیه فی مقام الانشاء است. یعنی اگر ما شک کنیم که آیا مثلاً شارع حجیت را در مورد یک اماره غیر علمی جعل کرده یا نه، استصحاب عدم حجیت اقتضاء می‌کند عدم حجیت انشایی را. علت آن هم این است که استصحاب دلیل محرز و کاشف است. اما آن قاعده مضروبه که محقق خراسانی فرموده: «الشک فی الحجیه مساوق لعدم الحجیه»؛ آنجا اشاره به عدم حجیت فعلی دارد. پس آنچه با استصحاب ثابت می‌شود فرق دارد با آنچه که با قاعده ثابت می‌شود، با استصحاب تعبداً عدم حجیت ثابت می‌شود. یعنی شارع حجیت را انشاء نکرده است. پس عدم حجیت که با استصحاب ثابت می‌شود مربوط به مقام انشاء است. ولی آن عدم حجیتی که به دنبال شک در حجیت ثابت می‌شود، ناظر به مقام فعلیت است. پس دو مسیر جداگانه است، اگر اثر این با آن متفاوت بود این دیگر تحصیل حاصل نیست. این را محقق خوبی در مقابل محقق نایینی فرموده است.

اشکال دوم

بخش دوم سخن محقق نایینی این بود که بین شک در واقع و خود واقع رتبتاً تفاوت است. اگر چیزی اثر شک در واقع بود این دیگر نمی‌تواند اثر خود واقع هم باشد زیرا شک در واقع متأخر است از خود واقع؛ محقق خوبی به این نیز اشکال می‌کند و نقض‌هایی را به آن وارد می‌کند که اگر بخواهید می‌توانید مراجعه کنید.^۱

بحث جلسه آینده

حق در مسئله چیست؟ آیا استصحاب عدم حجیت جریان دارد یا خیر؟

«والحمد لله رب العالمین»

^۱ مصباح الاصول، ج ۲، ص ۱۱۷.